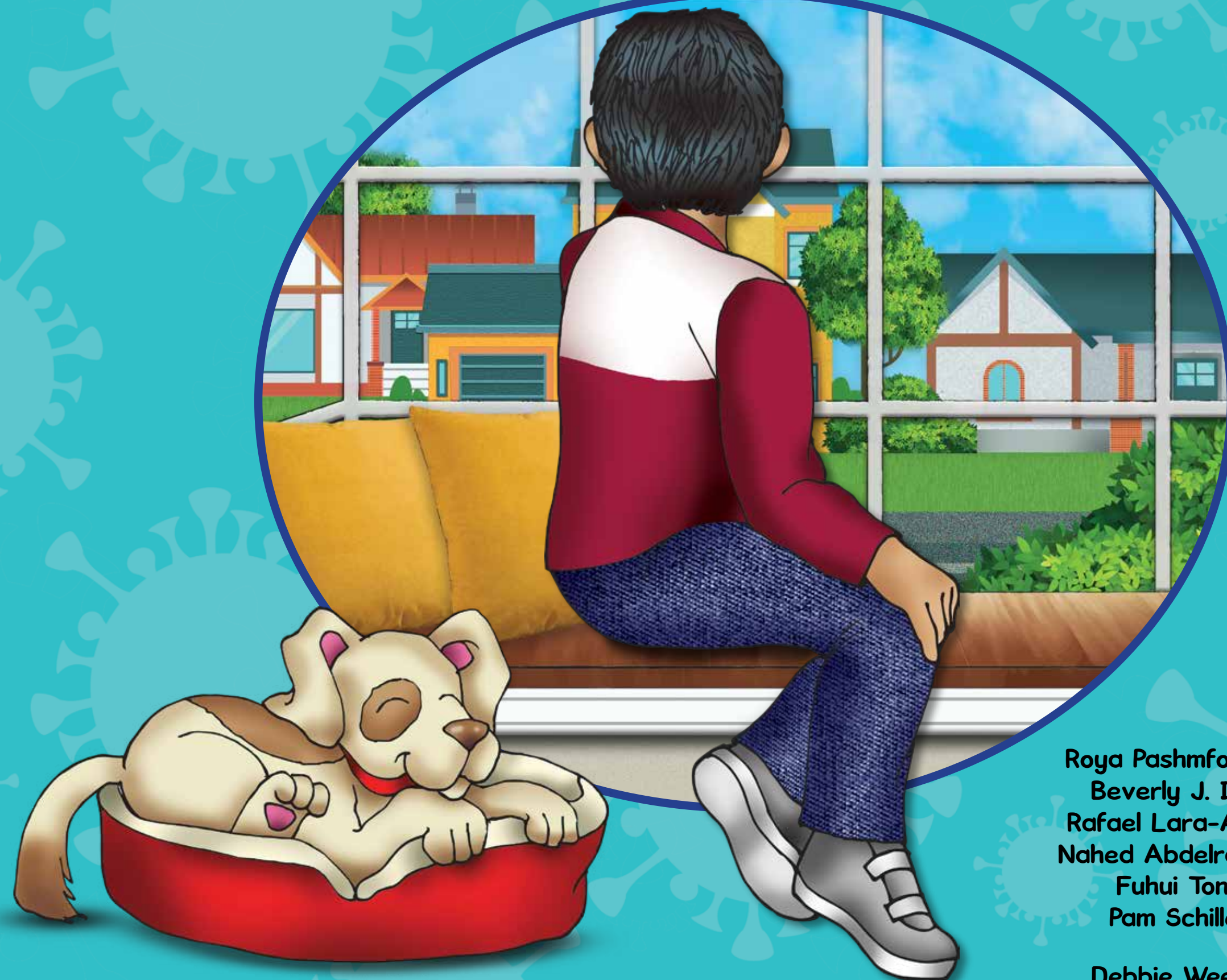


اونی که بیرونه هیولا نیست! فقط یه ویروسه!

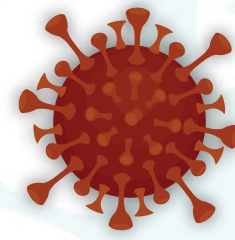


Roya Pashmforoosh
Beverly J. Irby
Rafael Lara-Alecio
Nahed Abdelrahman
Fuhui Tong
Pam Schiller

Debbie Weekly



اونی که بیرونه هیولا نیست! فقط په ویروسه!



Roya Pashmforoosh
Beverly J. Irby
Rafael Lara-Alecio
Nahed Abdelrahman
Fuhui Tong
Pam Schiller

Debbie Weekly

از خانم‌ها مهرانگیز ذادق‌آبادی و سمیرا ضیاء‌دیدگان برای ویرایش و بازبینی ترجمه فارسی این کتاب تشکر ویژه داریم.

اخبار رو گوش میدم. فوراً به فکر فرو میرم.
یک هیولا اون بیرونه و من نمی‌تونم بازی کنم.
از پنجره بیرون رو نگاه می‌کنم. اما هیچ هیولایی نمی‌بینم.



یه لحظه خوشحال میشم.
اما هیچ دوستی رو بیرون در حال بازی نمی‌بینم.
هیچکدوم از دوستانم در حال دویدن، پریدن
یا بازی کردن نیست.



اخبار میگه: "ماسک بزنیید".
من میگم: "این چه هیولاییه که از ماسک می ترسه؟"
بابا میگه: "ماسک می زنیم تا از دیگران محافظت کنیم."
من میگم: "آهان!"
"مثلا از خواهرم و برادرام و دوستانم."





از در پستی، یه نگاهی به دور و بر میندازم.

هیچ هیولایی رو نمی بینم.
نه رو زمین نه تو هوا.

زیر ملحفه‌ی سفید روی تختم رو یواشکی نگاه می‌کنم.
خبری از مژه و پای هیولا نیست.

آروم اتاقم رو برانداز می‌کنم.
هیولا قایم شده؟
هیچ اثری از هیولا نیست.



زیر صندلی نیست.
روی زمین نیست.



تو کمد نیست.
پشت در نیست.



مامان میگه: "با دست‌های شسته نشده به صورتت دست نزن."



مامان میگه: "در حالی که ترانه‌ی تولد رو می‌خونی دست‌هات رو بشور."
"در واقع دوبار بخونش."
"نمی‌دونم چرا اینقدر طولانی!"





خوشبختانه هیچ هیولایی این دور و بر نیست.
هیچ هیولایی در رویاهای من نیست.
اما من هنوز می‌ترسم.



وقت خوابه. دوباره به دور و برم نگاه می‌کنم.
همه چی خوبه.

خوابم رو برای مامانم تعریف می‌کنم.
مامانم میدونه چی می‌گم.
مامانم می‌خنده و به آرامی
دستم رو می‌گیره.



مامان میگه: "این یه ویروسه، نه یک هیولا."
"ما اونو شکست میدیم."
"وقتی این ویروس رو شکست دادیم،
تو و دوست‌هات می‌تونید دوباره بیرون بازی کنید."



مامان میگه: "مراقب باش."
"اما نترس."
"با ماسک و دستکش بیا وانمود کنیم
که داریم رژه میریم."

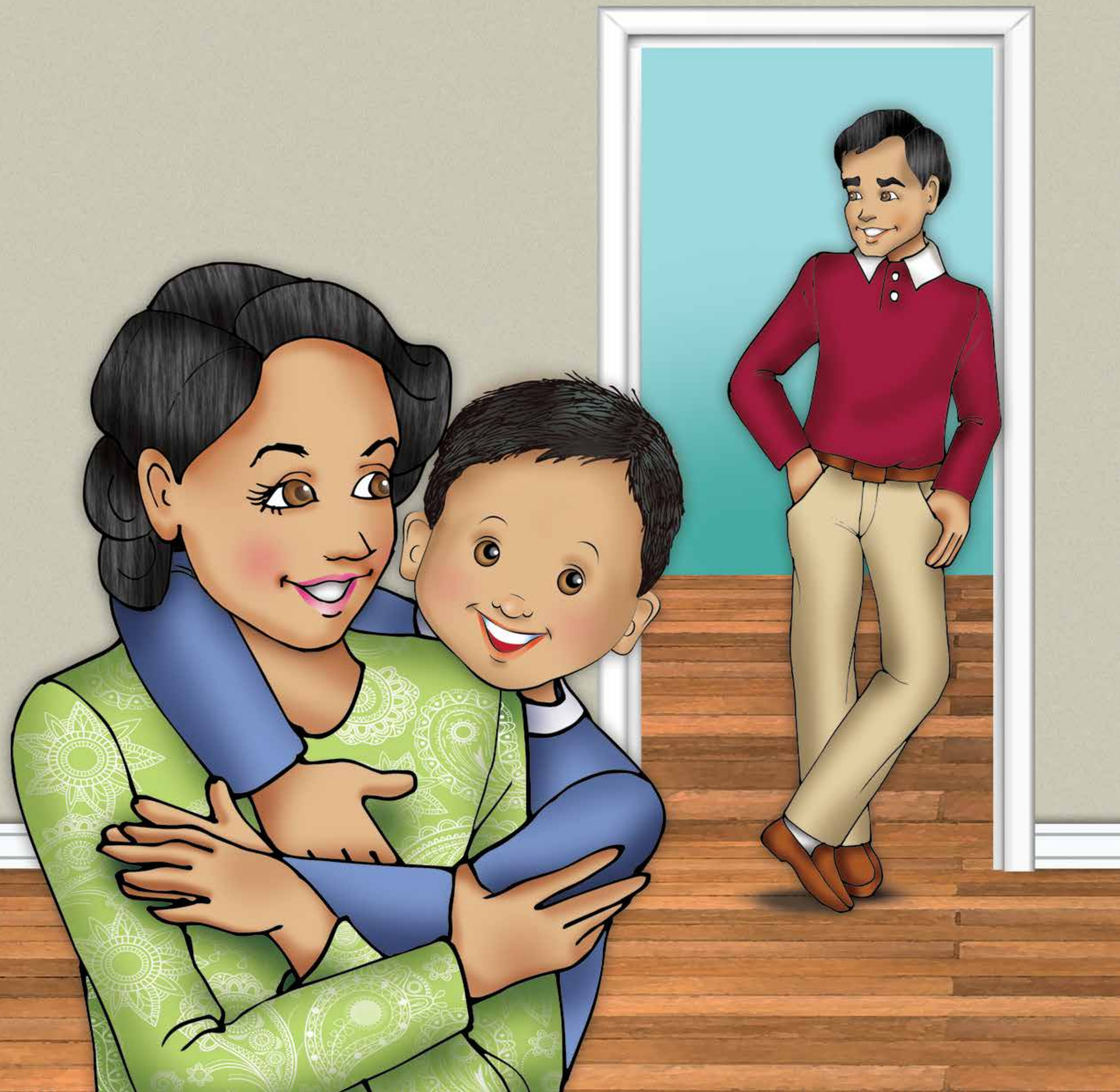




ایست

برای ایمن موندن از کرونا دست‌ها را مرتب با آب و صابون بشور. فاصله دو متری رو از اطرافیان حفظ کن. فراموش نکن همیشه ماسک بزنی.

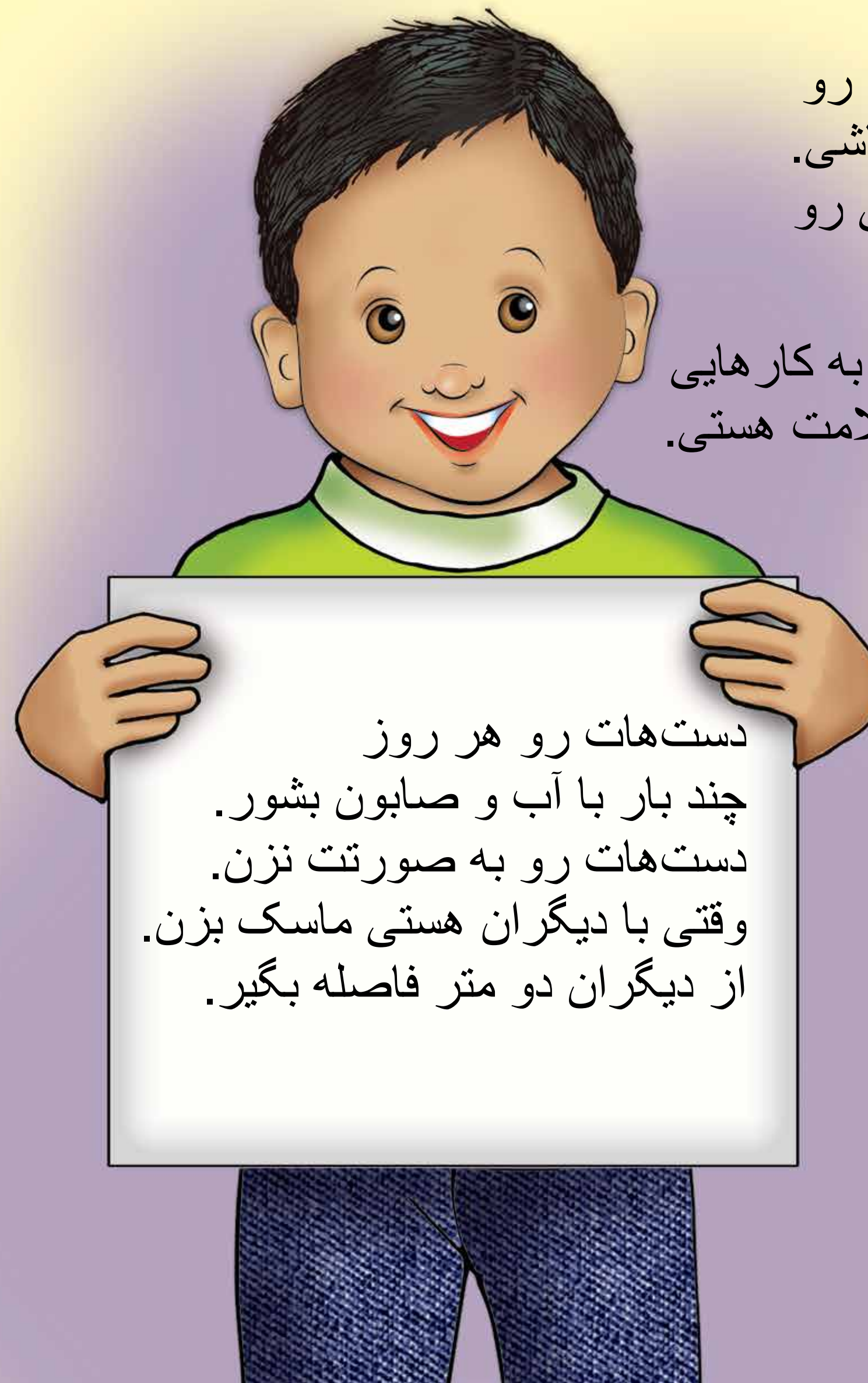
"دکترها و دانشمندا شب و روز تلاش می‌کنن تا واکسنی درست کنن که این ویروس رو شکست بده."



بعد از حرف های مامان با خیال راحت میگم: "هیچ هیولایی نیست."
"هیچ هیولایی نیست که ازش بترسی."
"همه چی امنه. چون هیچ هیولایی دور و بر نیست."

تنها زمانی این ویروس تو رو
بیمار می‌کند که مراقب نباشی.
پس فقط کافیه این کارهایی رو
که گفته شد انجام بدی.

تا زمانی که حواست باشه به کارهایی
که می‌کنی در امنیت و سلامت هستی.



دست‌ها رو هر روز
چند بار با آب و صابون بشور.
دست‌ها رو به صورتت نزن.
وقتی با دیگران هستی ماسک بزن.
از دیگران دو متر فاصله بگیر.

پیامی در مورد این کتاب

ما این کتاب را برای کودکانی نوشتیم که اخبار کرونا را می‌شنوند و با ترس مواجه می‌شوند. هر یک از ما به شخصه کابوس‌های کودکان را شنیده‌ایم. کابوس‌هایی از قبیل شخص بدجنسی که آنها را از خانواده دور می‌کند، اتفاقات عجیب و غریبی که در مدرسه برایشان رخ می‌دهد، از دست دادن دوستان‌شان و یا هیولاهایی که دنبالشان هستند. همه‌ی این نوع ترس‌ها در خواب یا رویاهای کودکانی که می‌شناسیم رخ داده است. این کتاب را به امیدهای آینده - به کودکانمان در سراسر دنیا - به خانواده‌هایشان و حامیان‌شان تقدیم می‌کنیم. امید است این کتاب برای کودکانمان تسلی بخش بوده و به آنها در چنین شرایط پیش‌بینی نشده‌ای احساس امنیت دهد. این کتاب به چندین زبان ترجمه شده است تا پاسخی به نیازهای کودکانمان در این شرایط همه‌گیر بیماری کرونا باشد. این کتاب به صورت رایگان توسط مرکز تحقیق و توسعه در زمینه‌ی دوزبانگی و فراگیری زبان، گروه روانشناسی آموزشی، دانشکده آموزش و توسعه‌ی انسانی در دانشگاه تگزاس A&M پشتیبانی می‌شود.

باشد که کودکانمان در سراسر دنیا سلامت باشند.
در کنار هم و با احترام به یکدیگر می‌توانیم تفاوت ایجاد کنیم.

Roya Pashmforoosh
Beverly J. Irby
Rafael Lara-Alecio
Nahed Abdelrahman
Fuhui Tong
Pam Schiller